

پیشگفتاری بر وظایف صنعت و دانشگاه

ویرایش اول، مهرماه ۱۳۹۴

از بدو تأسیس صنایع بزرگ در کشور، وظیفه آموزش پرسنل بر عهده همان صنعت بوده است. در زمانی که آموزش عالی در سطح فعلی نبود، تکنسینها و کارشناسان صنایع بزرگ در خارج از کشور دوره می‌دیدند و یا آموزش آنها توسط کادر مدرسین خارجی در محل صنعت انجام می‌شد. بعبارت دیگر، در تأسیس یک صنعت از ابتدا تکنسین، کارشناس و تخصص مورد نیاز دیده شده و تأمین اعتبار تأسیس آن صنعت شامل آموزش پرسنل نیز می‌شد. البته بدیهی است که اخذ نتیجه مطلوب نیز منوط به برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت صحیح و همچنین انتخاب صحیح شرکت خارجی و عقد قرارداد هوشمندانه بوده است که در این زمینه، کشور تجربیات موفق و ناموفقی داشته است. هنگامی که تنها تعداد انگشت‌شماری تکنسین یا کارشناس متخصص در رشته‌ای مدنظر باشد، مسلماً تأسیس دانشگاه/دانشکده/رشته/گرایش برای آن به صرفه نخواهد بود.

با گسترش نیاز کشور به نیروی کارشناس، برنامه‌ریزی دولتمردان بگونه‌ای صورت پذیرفت که بخشی از آموزش در داخل کشور و با تأسیس دانشگاهها یا گسترش رشته‌ها صورت پذیرد. به عبارت دیگر، وقتی هر دو هزینه را دولت پرداخت می‌کرد، باید محاسبه می‌کرد که تا چه میزان از آموزش از لحاظ کمیت و مقطع تحصیلی در هر رشته و گرایش در داخل مقرون به صرفه است. بطور مثال، اگر سالی ۲۰۰ کارشناس مورد نیاز باشد، آیا تأسیس دانشگاه/دانشکده/رشته/گرایش با مدرس داخلی و خارجی به صرفه خواهد بود، یا اعزام این ۲۰۰ نفر به خارج از کشور؟ البته بدیهی است که در تحلیل هزینه-فایده دو انتخاب مذکور، موضوعات اقتصادی و غیراقتصادی متعددی در تصمیم‌گیری صحیح دولتمردان مؤثر است که خارج از حیطه این نوشتار است. اما با وجود این، همیشه رشته‌ها، گرایشها و تخصصهایی بوده است که با توجه به تعداد بسیار محدود مورد نیاز کشور در سال، اعزام کارشناسان به خارج برای آموزش مقرون به صرفه بوده است. بطور خلاصه اگر صنعت نیاز به تخصصی ویژه دارد و آن متخصص را ندارد، وظیفه خود آن صنعت است که برای آموزش کارشناسان خود، برنامه‌ریزی و تأمین هزینه کند و این موضوع باید در تأمین اعتبار برای تأسیس یا گسترش آن صنعت دیده شود. در شرایطی که هزینه‌های صنعت و دانشگاه را دولت پرداخت می‌کند، منطقی است که دولتمردان محاسبه کنند که برای هر رشته، گرایش و تخصص با توجه به تعداد مورد نیاز در سال، چه سیاستی به صرفه و صلاح کشور است. چه تعداد به خارج اعزام شوند؟ برای چه رشته‌ها و تخصصهایی از خارج مدرس آورده شود؟ چه رشته‌ها و گرایشهای جدیدی در دانشگاه تأسیس شود؟ و این که چه تخصصهایی بصورت دوره‌های تکمیلی در خود صنعت برگزار شود.

اگر صنعت، آموزش فعلی در دانشگاهها را کافی نمی‌داند، خود نیز موظف است تا با دوره‌های تکمیلی، این نیاز را مرتفع سازد. اگر مهندسی فارغ التحصیل از لحاظ مهارتهای عملی با ضعف مواجه هستند، صنعت می‌تواند با دوره‌های تکمیلی آن را بر طرف کند. البته سازمانها و صنایع دولتی بزرگ کشور با شناسایی دقیق نیازمندی خود و اساتید مجرب در آن حوزه، می‌توانند مستقلاً با دانشگاهها برای تأسیس گرایشها و رشته‌های مورد نیاز وارد مذاکره و عقد قرارداد شوند و این برای بعضی از گرایشها و در صورت وجود اساتید مجرب در آن حوزه، کاملاً به صرفه خواهد بود. در اینجا منظور راه‌اندازی رشته‌های میان‌رشته‌ای و گرایشهای جدید در دانشگاه با حمایت مالی صنعت است. بنابراین اگر مأموریت طراحی و ساخت محصولی به صنعتی محول می‌شود، توقع آنی صنعت از دانشگاه برای تأمین متخصصین مورد نیاز مسموع نیست و صنعت خود باید برای تأمین کارشناسان خود برنامه‌ریزی کند و با اعلام نیازمندیها و بررسی بازخوردها در رایزنی با وزارت علوم و همچنین عقد قرارداد با دانشگاهها برنامه‌ریزی میان مدت یا بلند مدتی داشته باشد. بعلاوه، همواره مهندسی فارغ التحصیل از دانشگاهها در بدو ورود به صنعت، نیاز به دوره‌های تکمیلی مخصوص آن صنعت را دارند که این موضوع بطور معمول در صنایع کشور مدنظر قرار نمی‌گیرد.

شایان ذکر است که توقع مدیران صنعت از دولتمردان برای تأمین هزینه آموزش متخصص مورد نیاز خود برای انجام مأموریتهای جدید، کاملاً بجاست و آنجا که دولتمردان تشخیص دهند که متمرکز کردن آن آموزشها در دانشگاهها به صرفه و صلاح کشور است، با تأمین اعتبار آن می‌توانند، درخواستهای منطقی را به تحقق برسانند. البته در صورتی که کیفیت رشته‌ها و گرایشهایی که در حال حاضر در دانشگاهها وجود دارد با تأمین مالی و امکانات تخصیص داده شده از طرف وزارت علوم همخوانی نداشته باشد، مسلماً باید از طریق آن وزارتخانه بررسی و پیگیری شده و رهنمونهای لازم برای ارتقاء کیفی داده شود.

سید حمید جلالی نائینی